



شادروان مجدالدین نصیری آمینی

## «گنجی، درویرانه»

با احوال و آثار مجدالدین نصیری خوشنویس دانشمند آشنا شوید



علی راهگیری گیلانی

که شخص را فریفته و شیفته جلالت سخن خود می‌نمود و در دقت نظر و جودت ذهن و طلاقت لسان و فصاحت بیان اعجاب‌انگیز و کم‌نظیر نیز در لیاقت بنان و تحسین ظروف و ترقیم خطوط (مبتکر) و بالاخره اقسام نظم و نثر فرید عهد و وحید عصر می‌باشد. مناقبهٔ اعجزتنی عن بیانها و یا این بیت که بموقع استماع سخنانش بر زبانم حتماً جاری شد.

مجدا فلکت نبیند امروز نظیر

در سحر بنان و طبع الهام پذیر

چه در دقایقی که آن روز در خدمتش بودم و چه در ملاقاتهای بعدی که دست داد مکرراً استفاده‌ها نموده و فیضها بردم و هر بار که او را دیدم بر حیرتم افزود که اینهمه معلومات گوناگون در رشته‌های مختلف چگونه در یک فرد جمع شده است.

لیس من الله بمستنکره ان یجمع العالم فی واحد  
از قدرت الهی چه استبعاد دارد که دنیائی را از فضایل و کمالات مختلف به شخصی اعطاء فرماید. پس از اجمال

از اساتید فن و معمرین هندوستان کراراً شنیده بودم که از بقایای استادان سلف شخصی بنام مجدالدین هنوز در قید حیات است و متجاوز از سی سال است که در یکی از دهات شمیران (درکه) روزگار را با نروا می‌گذراند با اشتیاق فراوان برای ملاقات ایشان در تفحص بودم تا خوشبختانه در محفلی با یکی از اقوام ایشان مواجه شده با پایمردی وی به ملاقات استاد نایل آمدم.

دیدم آنجا دانشوری فرشته نهاد

که جز تواضع و صدق و صفا شاعرش نیست

پیری دیدم وارسته، در بروی خلق بسته، در گوشه اتروا نشسته و با خوشروئی تمام مرا پذیرفت، آنچه درباره او شنیده بودم (چو دیدمش بحقیقت هزار چندان بود) با سعی صدر و خوشروئی و محبت سؤالاتم را پاسخ داد. دیدم بحری است موج، در جواب هر سؤال مثل این بود که از دریائی مшти آب بر میدارد. بهنگام صحبت چنان بود

این مقدمه بود که با کسب اجازه از ایشان استفسار نمودم که اگر ممکن است شرح حال و نام اساتید خودشان را بیان نمایند. اینک نتیجهٔ مذاکرات خود را با ایشان مختصراً می‌نویسم تا سهم خود قدردانی از این دانشمند محترم نموده بعلاوه مقاله خود را با گراور بعضی از انواع خطوط ایشان تکمیل نمایم تا خوانندگان و طالبان را بهره‌ها حاصل آید :

نام محمد لقب مجدالدین کتبه ابوالمکارم و نام خانوادگی نصیری امینی تخلص (مجدی) است که در سنه ۱۳۰۸ قمری مطابق با ۱۲۶۸ شمسی در تهران متولد شده و در خانواده با فضل و تقوی و علم و دانش در کف تربیت والدشان (حضرت ادیب ارباب، فیلسوف شهیر، جامع علوم معقول و منقول حکیم الهی حجة الاسلام لطفعلی مشهور به (صدر-الافاضل<sup>۱</sup>) و متخلص بدانش نورالله مضجعه که از کثرت شهرت احتیاج به توصیف ندارد) نشوونما یافته و مقدمات علوم ادبیه و عربیه را در آن محضر شریف آموخته و خطوط اسلامی را بجز خط نسخ بالتمام از حضرت والدشان طاب الله ثراه فرا گرفته مانند خط ثلث، رقاع، توقیع، ریحان، تعلیق، نستعلیق و شکسته و حتی خط کوفی و انواع آنرا - و در سن ۱۶ سالگی در مدرسه آیانس فرانسه در تهران بتحصول زبان مشغول و بعد از سه چهارسال در همان مدرسه معلم زبان فرانسه گردید و بواسطه حسن خط لاتین، کتابچه‌های سرمشق پیشرفت و قواعد خط مزبور را بوجه پسندیده‌ای نگاشته و در همان زمان بطبع سنگی رسیده و در مدارس سن لوئی فرانسه و آیانس و غیره مورد استفاده محصلین قرار داده و در ۲۵ سالگی در اتفاق ملاقاتی که میرزا احمدخان بدر (نصیرالدوله) وزیر معارف وقت روی داده بود بتشویق ایشان وارد خدمت در وزارت فرهنگ وقت شده و مشاغل زیر را در سنوات مختلف جمعاً بالغ بر ده سال داشته‌اند :

۱- ریاست اداره تقویم عتیقات ۲- ریاست کتابخانه معارف ۳- عضویت ادارهٔ تألیفات ۴- ریاست اتحادیه وزارت فرهنگ و مدارس ۵- مشاورت و مشارکت در بنیان‌گذاری مدارس ابتدائی دولتی (در احداث ۳۰ باب مدرسه در تهران بابتکار نصیرالدوله) ۶- مشارکت در تألیف کتب ابتدائی ۷- مشارکت در تأسیس موزه معارف باستانشناسی با مرحوم ممتازالملک وزیر فرهنگ - ناگفته نماند که این موزه وسیع و مجلل کنونی در بدو تأسیس در چند اطاق تاریک و دالان محقر وزارت فرهنگ پایه‌گذاری شده بود و بعد ایشان در زمان نصیرالدوله اطاقها را طبقه فوقانی و سالن بزرگ انتقال دادند و این رباعی را استاد مجدالدین باین مناسبت گفته که قاب شده و اکنون در موزه موجود است .

بمهد حضرت اشرف نصیر دولت ودین  
که شد معارف از همتش چو خلد برین  
گرفت موزه ملی مکاتبتی بسزا  
بشد زسجین تا بارگاه علیین

و نیز مجدی در تعلیم خط و تدریس ادبیات فارسی در دارالفنون که در آنوقت بهترین مدرسه بود سالها اشتغال داشت تا اینکه در زمان مرحوم تدین بمیل خود از خدمت کناره‌گیری نموده بعزم تفحص کتابخانه‌ها و موزه‌ها باروپارفته چندسالی در آندبار بمطالعه و سیر آفاق و انفس پرداخته پس از مراجعه بتکمیل بعض صنایع مستظرفه از قبیل زری‌بافی و قالی‌بافی و منبت و حجاری و غیره چند سال دیگر صرف عمر کرده و سپس بکلی از اینگونه امور دست کشیده و قریب ۳۰ سال است که منزوی است و با کتب و قطعات نفیس کتابخانه خود انیس و جلیس است مبتنی شاعر عرب گوید :

اغر مکان فی الزمان سرچ سایح  
وخیر جلیس فی الزمان کتابه  
واین بیت ما صدق حال اوست که :

مضت الدهور وما اتین بمثله ان الزمان بمثله لعقیم  
اما اسامی کتبی که این شخص در خلال حیات پرثمر فرهنگی خود بجهت شش کلاسه ابتدائی تألیف نموده و در آن ایام در مدارس تدریس می‌شده ازین قرار است : ۱- کتاب ابتدائی جدید ۲- تاریخ روشن ۳- علم الاشیاء ۴- حفظ الصحه ۵- کتاب سیاق ۶- کلید نگارش که رساله‌یی است که باسلوب منحصر بفرد و حاوی نمونه‌های تمام خطوط اسلامی که در سنه ۱۳۳۷ هجری بامر وزارت فرهنگ بطبع سنگی رسیده است و از جمله رسایلی که راجع است بفتون مختلفه و هنوز بچاپ نرسیده و نیز دیوان منظومات ایشان بالغ بر سه هزار بیت میشود که در انتخاب اسلوب و اشتمال بر مضامین مختلفه منحصر بفرد میباشد و شاملست از قصاید و غزلیات، مقطعات، مفردات، مثنوی شکوائیه و قصیده پارسیه و وصف الحال و ختم‌المقال .

چنانچه قبلاً نگاشتیم استاد ایشان در اغلب خطوط پدر بزرگوار و گرامیشان بوده و اما چون در اقلام متنوعه ترد اساتید هم تلمذ نموده‌اند، لذا ناگزیر از ذکر عناوین برخی از آنان است .

۱- در خط نستعلیق : شاگردی حضرت استادی مرحوم آقا سیدمحمد شمس‌الکتاب لواسانی (شاگرد میرزا علیمحمد صفا متخلص به : لواسانی) .

۲- میرزا محمدابراهیم تهرانی مشهور بمیرزا عمو (نویسنده کتیبه ایوان حضرت امامزاده حمزه در جنب مرقد پاک حضرت

۱- این لقب از طرف ناصرالدینشاه قاجار بدو داده شده بود .



بسم الله الرحمن الرحيم

وقعا احمد بن يوسف كاتب المأمور علي بن محمد علي

دكتور اصلي اخيه انا الله حامد فاشتمه

بانت عليه ملك اجنبا عيدي واعلان كل سنة

نيزا جديفص والنقصان وان في المحو الكثير كما نرى على

الزيارة الفتيك

والحمد لله رب العالمين

صلوات على سيدنا محمد وآله

الطيب الطاهر

Handwritten marginal notes in Arabic script, including the name 'الشيخ' and other illegible text.

نمونه خط نستعليق نصيري

نمونه خط توقيع نصيري



دل اگر غیب استین پاک سوی تو روح مجروحی بر فطرت شوی برای سرسوی مجروح  
کتابخانه

خوشی و غمش هر دو دیده کا تا بجز دیده چون کار سو بادت بچینک بدیده با سر او را اصرار  
کتابخانه

مخبر غم تمامت که چه حواس دوستانه او همه نعمت فرود  
کتابخانه

فکر ما مقصود بود برای رجبی جرمی که میرود با مری عطا  
کتابخانه

طلب منصب فانی نجیب صاحب عقلی عاقل آنست که آید که با این  
کتابخانه

عزیزت شین تو شرت ناید کانی دست خط خاک سوی  
کتابخانه



عبدالمعظم علیه السلام ، (شاگرد استاد میرزا غلامرضای اصفهانی نویسنده مشهور کتیبه‌های مسجد سهسالار) ازدونفر مذکور بمدت چهارسال تعلیم گرفته .

۳ - در خط نسخ و رقاع : نزد شیخ زین‌العابدین محلاتی بمدت دو سال همچینین از میرزا محمدعلی سلطان‌الکتاب اصفهانی که در خانه پدر او منزل داشته (شاگرد زین‌العابدین اشرف‌الکتاب) که از استاد اخیرالذکر مجوز داشته بنام استاد خود رقم کند و در نسخ و رقاع بمدت سه سال تعلیم یافته در خط نسخ نیز در مکتب مرحومان میرزا محمدحسن و میرزا محمد صادق شیرازی دو برادر و استاد خطوط نسخ و رقاع (پسرعموی وصال شیرازی شاعر قادر و خطاط شهیر ماهر) بمدت چهارسال استفاده کرده‌اند .

۴ - خط ثلث : میرزا محمدعلی سلطان‌الکتاب اصفهانی و مرحوم والدشان .

۵ - رقاع نسخ : (که خود پنهایی نوعی از اقلام خط شمرده میشود) از اساتید خط نسخ .

۶ - رقاع ثلث : از مرحوم والدشان .

۷ - خطوط : تعلیق - طغری - محقق - توقیع - رقاع - کوفی - ریحان - ثلث - نستعلیق - شکسته - تحریر - سیاق ، چنانچه ذکر شد از مرحوم والدشان .  
نهفته نگذارد که در علوم مختلفه هم اساتیدی ذکر فرموده‌اند :

در طب قدیم : مرحوم سلطان‌الفلسفه ، که شرح اسباب و قسمتی از قانون بوعلی‌سینا را خدمت فقید مذکور تلمذ نموده‌اند .

در هیئت و نجوم : مرحوم میرزا اسدالله اخترشناس مازندرانی .

در فقه : از مدرس مرحوم حجة الاسلام آقا سیدمحمد عصار طاب‌ثراه .

در صرف و نحو و معانی و بیان و عروض و قافیه : از مرحوم والدشان صدرالافاضل .

در بقیه صنایع مستظرفه مانند : نساجی - نقاشی - منبت‌کاری - حجاری و غیره نیز اساتیدی داشته‌اند که از نظر اجتناب از تطویل کلام از ذکر آن خودداری شده .

متأسفانه چند صباحی پس از این ملاقات ، اطلاع یافتیم که استاد ، رخت به سرای باقی کشید و در مرگ خود هنردوستان را سوگوار کرده است .

در روایسین گفتار خود جا دارد بیافزاید که چون وجود این هنرمند بی‌تردید در استجماع بانواع خطوط اسلامی یعنی از ابتدای تاریخ خط ایران تا یومناهدا بی‌نظیر و مانند بوده است .

هیئات ان یاتی الزمان بمثله ان الزمان بمثله لبخیل

اینک دونمونه از خطوط وی را که شخصاً در اختیار نگارنده سطور برای چاپ در گرامی مجله هنر و مردم قرار داده بود به انضمام چند شعر استاد به نظر خوانندگان میرسانیم و حسن ختام کلام را بدرج چکامه ارمغانیه اثر طبع ناچیز خود مبادرت و این مطلب را فرجام میدهیم :

مجدا فلکت نبیند امروز نظیر

در سحر بنان و طبع الهام‌پذیر

ای از تو بجلوه اختر مهر سپهر

وز مهر تو نوربخش جان ماه منیر

تا چون تو یگانه پرورد مرد هنر

در شاهرگ مام فلک خون شد شیر

از قید تعلق آنکه چون من آزاد

در بند کمند مهر و لطف تو اسیر

در عرصه هیجاست ترا خامه و کلک

برنده چوتیغ و جانگر چون شمشیر

ای کلک تو نقشبند دیباچه عمر

صیت سخن تو بر شد از چرخ اثیر

یک سینه صفا بساحت جان بخشید

چون نکهت مشک و نفخه عود و عبیر

من دست زدامنت ندارم که مباد

جز دست محبت توام دام‌نگیر

چون گنج بکنج از وائی هر چند

کس چون توبه اقلیم هنر نیست شهر

ای بر سرم از تو - افسر علم و ادب

روشن دلم از تو - پیر خورشید ضمیر

در پرده اختفا نمائی - که حسود

خورشید نمیتواند اندود بقیر

ای از تو و فیض تو عطارد به لقب

بر چرخ برین ستارگان راست‌دیر

ای از تو شگفته گلشن‌فضل و کمال

ای در تو نهفته بس هنر را تقدیر

کو آنکه چنان تو حضرت استادی

شاگرد کند بکار تحریر دلیر

گردد به یقین کتاب پرارج بزرگ

گر شرح مناقبت نمایم تحریر

عمر تو مدام باد و ایام بکام

بخت تو جوان هماره ورأی تو پیر

این طبع (حزین) قطره بدریا آورد

از مهر مر این چکامه مجدا بپذیر

چهاردهم مهر ماه ۱۳۵۳ - علی راهجیری گیلانی  
متخلص به (حزین)